

پیداری اسلامی لیبی و

افق‌های پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران^۱

چکیده:

این مقاله ضمن معرفی و بررسی لیبی و قبایل این کشور، به بررسی زمینه، چگونگی و روند اعتراضات و قیام مردم لیبی علیه سرهنگ "معمر قذافی" می‌پردازد. در ادامه با ارائه چارچوب تحلیلی مبتنی بر نگرش مقام معظم رهبری در قبال تحولات لیبی به عملکرد و نقش بازیگران و عوامل داخلی و خارجی لیبی اشاره دارد و در پایان به ظرفیت‌های قابل استفاده برای جمهوری اسلامی ایران در عرصه داخلی لیبی در راستای بیداری اسلامی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: لیبی، قبایل، بیداری اسلامی، غرب، جمهوری اسلامی ایران.

^۱. علی سروش، کارشناسی ارشد علوم سیاسی، کارشناس مسئول فرهنگی دانشگاه مجازی المصطفی (ص)، پژوهشگر مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری. Nabsorush@yahoo.com - زینب اصغریان، کارشناسی ارشد مطالعات خاورمیانه. تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۱ تاریخ تصویب: ۹۰/۴/۲۱

مقدمه:

موج فراگیر و گسترده بیداری اسلامی در خاورمیانه استراتژیست‌ها و تحلیل‌گران بین‌المللی را مبهوت کرده؛ چنان‌که بسیاری از سوال‌های اصلی در این تحولات بی‌پاسخ مانده است. این در حالی است که در نگرش و گفتمان انقلاب اسلامی وقوع چنین موجی نه تنها عجیب نیست که سالها مورد انتظار بوده است.

یکی از پله‌های این موج، تحولات پیچیده لیبی است. چرا که امروز لیبی با ژئوپلیتیک خاص، منابع عظیم نفتی و ساختار قبیله‌ای خود، آزمایشگاه سرکوب بیداری اسلامی شده است و تلاش می‌گردد با استفاده از شرایط ویژه لیبی مدلی برای سرکوب حرکت‌های اسلامی در منطقه ایجاد شود تا شکست خیزش مردم لیبی پایانی بر بیداری اسلامی باشد. لذاست که شکست یا پیروزی اسلام‌گرایان در این کشور پیامدهای گسترده‌ای خواهد داشت. بر همین قیاس است که رهبر انقلاب فرمودند: «ما در مورد اوضاع لیبی بشدت نگران هستیم زیرا حرکت مردم لیبی یک قیام جدی و واقعی است و غربی‌ها مصمم هستند تا نگذارند این حرکت واقعی مردم به سرانجام برسد... غربی‌ها از تشکیل یک حکومت با گرایش‌های اسلامی در لیبی و در یک قدمی اروپا به شدت هراس دارند و می‌خواهند مانع از این کار شوند»^۱.

با توجه به ابعاد گوناگون تحولات مردمی، بازیگران متنوع و ساختار اجتماعی لیبی باید اذعان داشت که این تحولات، کوتاه‌مدت و سطحی نیست و جامعه بین‌الملل با پدیده‌ای ریشه‌ای مواجه خواهد بود. از سویی جمهوری اسلامی به عنوان بزرگ‌ترین کشور حامی بیداری اسلامی و مدعی حمایت از این موج، نمی‌تواند بدون نگاهی بلندمدت و یک نقشه راه، نقش مناسبی در این تحولات ایفا نماید.

براین اساس این مقاله در تلاش است تا با مطالعه‌ی جامعه شناختی از کشور لیبی، چرایی و چگونگی خیزش مردمی و البته بازیگران موثر در حوادث اخیر این کشور، درک صحیحی از تحولات اخیر لیبی بدست آورد و در پی پاسخ به این پرسش است که «راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مقابل تحولات لیبی چه می‌تواند باشد؟»

کشور لیبی

کشور لیبی در منطقه شمال آفریقا و در ساحل جنوبی دریای مدیترانه واقع شده و از نظر ژئوپلیتیکی حلقه وصل خاورمیانه به مغرب عربی و راه ورود قاره اروپا به آفریقا به شمار می‌آید. لیبی از شرق با مصر، از غرب با تونس و الجزایر از جنوب با سودان، چاد و نیجر همسایه می‌باشد. لیبی با وسعتی معادل ۱/۷۷۵/۰۰۰ کیلومتر مربع، چهارمین کشور پهناور قاره آفریقا محسوب شده و دارای بیش از ۱۸۰۰ کیلومتر ساحل در دریای مدیترانه است. نام رسمی این کشور «جماهیر عربی مردمی سوسیالیستی عظمای لیبی» می‌باشد. براساس سرشماری سال ۲۰۰۶ جمعیت لیبی بالغ بر ۵/۳۲۱/۰۰۰ نفر می‌باشد. اسلام، دین رسمی و ۹۷٪ مردم لیبی مسلمان و مالکی مذهب و زبان رسمی کشور نیز عربی می‌باشد.^۱

تعداد ساکنین منطقه طرابلس ۶۸٪ جمعیت و ساکنان منطقه بنغازی ۲۷٪ کل جمعیت لیبی را در خود جای داده‌اند و حدود ۶۰ هزار نفر نیز در مصراته ساکن هستند و بقیه به صورت پراکنده در سایر مناطق این کشور زندگی می‌کنند.^۲

تاریخچه تحولات لیبی

اول سپتامبر ۱۹۶۹ م "افسران متحد آزاد" به رهبری "معمر القذافی" با سرنگون نمودن "سلطان ادريس" قدرت را در دست گرفتند. سمبل و الهام بخش این عده "جمال عبدالناصر" بود که همواره مورد تایید آن‌ها قرار داشت.^۳ "معمر قذافی" پس از به قدرت رسیدن، در سیاست خارجی خود راهبردی ضد غربی را دنبال می‌کرد. به دنبال حادثه موسوم به "لاکربی" (انفجار هواپیمای پان امریکن برفراز اسکاتلند) دولت‌های غربی تحریم‌هایی را به صورت یک‌جانبه و نیز از طریق سازمان ملل بر لیبی تحمیل

^۱ <http://www.mfa.gov.ir/cms/cms/tripoli/fa/geugrafy.html>

^۲ ذوالفقار امیرشاهی، «مباحث کشورهاوسازمان‌های بین‌المللی/۱۰۰۰ (لیبی)»، موسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ص ۵
^۳ بهرام افراسیابی، «لیبی و تاریخ»، انتشارات زرین، چاپ اول بهار ۶۳

کردند. نهایتاً پس از سالها کشمکش سیاسی، لیبی رسماً مسئولیت دخالت در این حادثه را پذیرفت و در عین حال تحت فشار آمریکا از کلیه فناوری‌های هسته‌ای خود صرف‌نظر کرد. بدین ترتیب ایالات متحده تا حدود زیادی فشارهای خود را بر لیبی کاهش داد و **"گاندولیزا رایس"**، وزیر امور خارجه دولت جرج بوش در سال ۲۰۰۵ م برای اولین بار از زمان کودتای قذافی از آن کشور، دیدن کرد و از آن پس روابط آمریکا و لیبی رو به گسترش بوده است.^۱

"قذافی" که ادعای «نه شرقی، نه غربی» داشت در ابتدا سعی کرد از نهضت‌های آزادیبخش جهان، حمایت کند و در جنگ ایران و عراق از ایران حمایت نمود اما به تدریج روند ستیزه جویی و تقابل با استعمار و آمریکا را از دست داد و تنها پس از پنج روز از دستگیری **"صدام حسین"**، معمر قذافی پا پیش گذاشته و اعلام کرد آماده تسلیم همه مواد هسته‌ای خود به امریکا است.^۲ کنار گذاشتن همه فعالیت‌های هسته‌ای از سوی لیبی در دسامبر ۲۰۰۳ م به نوعی یک شوک در جهان سیاست و یک موفقیت برای دیپلماسی سلطه‌گرایانه آمریکا محسوب می‌شود.^۳ این‌گونه تمام هیمنه حکومت مدعی اسلامیت "قذافی" نه تنها برای مردم لیبی که برای دنیا شکست و لیبی بالاخره به اردوگاه آمریکا پیوست.

پس از شروع قیام ۲۰۱۱ م مردم تونس در همسایگی لیبی و گسترش آن به دیگر نقاط خاورمیانه قیام مردم لیبی نیز آغاز گردید. حرکت اعتراضی مردم لیبی در آغاز یک حرکت اعتراضی مسالمت‌آمیز، آن هم به وسیله خانواده زندانیان مفقود شده زندان «بوسلیم» بود که خواهان روشن شدن وضعیت ۱۲۰۰ زندانی مفقود شده بودند. این حرکت مسالمت‌آمیز به شدت از سوی واحدهای امنیتی قذافی سرکوب شد. سپس امواج این حرکت اعتراضی به سرعت گسترش پیدا کرد. "قذافی" در نخستین واکنش خود، قیام‌کنندگان لیبی را مشتی جوان وابسته به القاعده و مصرف‌کنندگان قرص‌های روان‌گردان توصیف کرد، اما با مشاهده سقوط شهرهای بزرگ و حساس نظیر **بنغازی**، **البیضاء**، **مصراة** و **زاویه** در شرق و غرب کشور، دچار یک شوک جنون‌آمیز نظامی شد که کشور لیبی را به جنگ

^۱ معصومه فراهانی، «کشوری با بهترین نفت افریقا و بدترین دیکتاتور اعراب»، ویژه نامه فرهنگ عمومی، فروردین ۱۳۹۰، ص ۱۷۶

^۲ بروس جنتلسون، **خلع سلاح لیبی**، ترجمه رحمن قهرمانپور، مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران، ص ۱۲

^۳ همان، ص ۵

داخلی کشاند که هم اکنون (تیرماه سال ۱۳۹۰) حدود چهار ماه است که ادامه دارد. در ادامه به دلیل اهمیت مسایل جامعه شناختی کشور لیبی به محور اصلی جامعه لیبی یعنی قبایل می‌پردازیم؛ اهمیت قبائل از آنجا ناشی می‌شود که کشور لیبی هنوز به شکل قبیله‌گرایی اداره می‌شود و قبیله عامل اصلی انسجام اجتماعی در این کشور است.

قبایل لیبی

مردم لیبی در طول تاریخ، قیام علیه استعمار را تجربه کرده اند؛ آنان سالها به رهبری **عمر مختار** با ایتالیایی‌ها تمام و کمال جنگیدند.^۱ البته برخی فکر می‌کردند با شهادت "عمر مختار" پایان مقاومت مردم لیبی را رقم زده‌اند اما این پایان مقاومت نبود و مردم علیه پایگاه‌های نظامی استعمار وارد عمل شده و آنان را از کشور بیرون راندند.^۲ عنصر اصلی که در این مقاومت نقش اساسی بازی کرده است قبیله بوده که موجب انسجام اجتماعی نیز بوده است.

در حوادث اخیر (۲۰۱۱م) نیز قبایل، نقش اصلی را بازی می‌کنند؛ از قبل پیش‌بینی می‌شد که آن‌ها در کنار سرهنگ قذافی که ۴۲ سال با ترفندهای مختلف بر آن‌ها حکومت کرد، باقی بمانند و خود را وارد جریان انقلابیون نکنند. اما پیش‌بینی‌ها درست از آب در نیامد و ورود قبایل به جریان انقلاب به واقع نقطه ضعف اصلی رژیم قذافی محسوب می‌شود که جبهه انقلابیون را تقویت کرد.^۳

ضعف جنبش‌های اجتماعی اصیل مردمی در لیبی که حاصل دیکتاتوری طولانی مدت قذافی است زمینه را برای بهره‌گیری از فضای قبیله‌ای این کشور فراهم کرده است. از سویی در خصوص ساختار قبیله‌ای لیبی باید توجه داشت که چاه‌های نفت لیبی در دو سمت شرقی و غربی کشور پراکنده شده‌اند و از نظر ژئوپلتیک زمینه را برای تبدیل کشور

^۱ نفوذ عثمانیها بر لیبی در ۱۱۹۰ خ (۱۷۱۱م) توسط «احمد قارارامانیس» (از امیران عثمانی حاکم بر لیبی) به مدت ۱۲۰ سال قطع شد و در ۱۲۹۰ ترکان عثمانی لیبی را تسلیم ایتالیا نمود. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. بهرام افراسیابی، لیبی و تاریخ، چاپ اول بهار ۶۳، انتشارات زرین ص ۱۸

^۲ خبرگزاری مهر و نیز بنگرید: <http://www.afraan.ir/modules/smartsection/item.php?itemid=۱۱۱۸>
^۳ <http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=۱۲۶۴۰۳۵>

به واحد شرقی و غربی فراهم کرده‌اند. این دو می‌توانند به عنوان ابزارهای اصلی برای هدف آمریکا در تلاش برای تجزیه‌ی لیبی تبدیل شوند.^۱

به عبارت دیگر می‌توان مدعی شد قبایل، بهترین ظرفیت برای ایجاد انسجام اجتماعی را دارا هستند و ساختار انعطاف‌پذیر اجتماعی مناسبی برای سازماندهی، بسیج و تماس مستقیم با مردم‌اند.^۲ بر همین اساس لازم است آشنایی بیشتری با قبایل لیبی حاصل شود، بنابراین در ادامه به معرفی قبایل لیبی پرداخته می‌شود.

قبیله‌گرایی در نظام سیاسی لیبی

نظام قبیله‌ای در کل کشور گسترده است و بیشتر افراد نام خانوادگی خود راه نام قبیله‌ای می‌نامند و در نتیجه به راحتی می‌توان یک شخص را به سادگی با دانستن نام خانوادگی، شناسایی نمود. "جرج فرید من"، در مقاله خود تحت عنوان «انقلاب و جهان اسلام» می‌نویسد: «من نمی‌دانم در چه نفوذ اسلام‌گرایی بر نظامی‌گری در لیبی چه میزان است، اما من گمان می‌برم که قبیله‌گرایی به مراتب مهم‌تر از خداپرستی باشد».^۳

نظام سیاسی لیبی در زمان قذافی براساس همین پیمان‌های قبیله‌ای، بنا نهاده شده است. نظام حکومتی قذافی براساس ائتلاف ۳ قبیله بزرگ شامل "القذافیه" که قبیله شخصی قذافی و خانواده وی است، "الورفله" و "المقارحه" بنا شده و طی چهار دهه گذشته بقیه قبایل به نوعی دنباله روی این ائتلاف اصلی بوده‌اند. براساس گزارش‌ها ۶۴ قبیله در لیبی وجود دارد که ۶۱ قبیله و ۹۷ درصد جمعیت لیبی عرب و ۳ قبیله معادل ۳

^۱ عطاء بهرامی در <http://www.borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=۶۹۲>

^۲ How Libya's tribes will decide Gaddafi's fate .

<http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/africaandindianocean/libya/۸۴۶۱۲۷۹/How-Libyas-tribes-will-decide-Gaddafis-fate.html>

^۳ Revolution and the Muslim World February ۲۲, ۲۰۱۱ | ۰۹۴۹ GMT By George Friedman see "Revolution and the Muslim World is republished with permission of STRATFOR."

درصد^۱ موسوم به «بربر» یا غیر عرب هستند. تعداد قبایل با نفوذ و تعیین‌کننده لیبی انگشت شمار است که می‌توان به طور اجمالی از قبایل زیر به عنوان تعیین‌کننده‌ترین‌ها نام برد:

۱. لیبی غربی^۲:

منطقه	نام قبایل	شهر	توضیحات
لیبی غربی	قبیله ورغله	ساکن مناطق بنی ولید، زمازم، بیگ، سیرته، سبهاه، درناه، بنغازی و ولسوالی مصراته	بزرگترین گروه عرب‌های قبیله‌ای در غرب لیبی، متشکل از ۵۲ قبیله کوچک و تعداد در حدود یک میلیون نفر
	قبیله الزنتان زنانه	عمدتاً در کوهستان غربی، بین شهرهای بربرنشین از جدو و بفرن و کابلو است؛ از لحاظ جغرافیایی در شهر 'زنتان' در الجبل الغربی	نزدیک به قبیله وارفاله، در تعدادی از کشورهای مغرب عربی نیز هستند. این قبیله از اولین قبایل تایید کننده انقلاب مردمی لیبی علیه قذافی بود.
	اولاد یوسف، مصلاتا، مصراته...	—	—
	ال مجیرا	جنوب غرب طرابلس، نزدیک به کوه‌های غربی و در منطقه جالو در شرق لیبی.	برجسته‌ترین عضو این قبیله در ارتش سرلشکر ابو بکر یونس، جابر است که یکی از اعضای اصلی ۱۲ از افسران فرماندهی شورای انقلاب توسط قذافی در سال ۱۹۶۹ بوده است
	ترهونه	در 'تاورغاه' و 'طرابلس' ساکن است اعضای آن یک سوم ساکنان جنوب غربی طرابلس را تشکیل داده‌اند.	دومین قبیله بزرگ لیبی از حیث جمعیتی است که رسماً اعلام کرده که به انقلابیون پیوسته است. 'ترهونه' دهها قبیله فرعی را در دل خود جای داده است. به قابل توجهی نیروهای مسلح به این قبایل وابستگی دارند

^۱ در مورد این آمار اختلاف نظر وجود دارد برخی آمارهای قدیمی حکایت از سه درصد دار د. ر. ک لیبی و تاریخ بهرام افراسیابی سال ۶۳-۳۷) در مقاله دیگری که در ادامه آمده است و آمار جدیدتری را مدنظر قرار داده است تعداد این افراد بیش از ده درصد تخمین زده شده است. قابل توجه است به دلیل عدم دسترسی به تعداد دقیق و ماهیت این افراد آمار درست و دقیقی در دسترس نیست. ما برای علمی بودن بحث هر دو منبع را ذکر نموده ایم.

^۲ این آمار و اطلاعات با توجه به مقالات زیر استخراج و به صورت جدول برای سهولت دسترسی درآمده است

The tribes of Libya: a brief history , Geoffrey Clarfield, National Post · Apr. ۲۱, ۲۰۱۱ |

Last Updated: Apr. ۲۱, ۲۰۱۱ ۴:۰۶ AM ET

<http://www.nationalpost.com/related/topics/tribes+Libya+brief+history/۴۶۵۲۳۰۶/story>

<http://www.ebtakarnews.com/Ebtakar/News.aspx?NID=۷۹۰۲۵> و نیز ببینید:

ایوان پریچارد، سنوسی‌های سیرینکا، لندن: مرکز چاپ دانشگاه اکسفورد ۱۹۶۳ نقل از:

Area Hand Book For Libya Foreign AREA studies p.۵۴ the American university ۵۰۱۰

Wisconsin Ave.IV, IN.Washington D.C

۲. لیبی مرکزی :

منطقه مرکزی اشاره به منطقه بیابانی که از دوران باستان مرز بین دو منطقه بوده

منطقه	نام قبایل	شهر	توضیحات
لیبی مرکزی	قذافی یا قذافا (قبیله القذاذفه)	در محور سرت امروز ، در ابتدا در اطراف سرت و سمها بوده‌اند.	دهبر انقلاب سپتامبر ، سرهنگ قذافی متعلق به القذاذفه است. تعداد ساکنان آن به ۱۲۶ هزار تن می‌رسد اما از لحاظ تسلیحات و امکانات قوی‌ترین قبیله به شمار می‌رود
	المقارحه	یکه از بزرگترین قبیله در منطقه مرکزی غربی لیبی	از متحدان قوی قبیله قذاذفه بوده و عبدالسلام جالود متعلق به این قبیله است همچنین عبدالباسط المغرھی از اتهام بمب‌گذاری لاکربی توسط القذاذفه جان سالم به در برد.
	الریاح ، انحرابا ، الزوید		
	اولاد سلیمان؛ قبیله ای متشکل از تعدادی قبیله	متمركز شده در مناطق 'سرت' و 'فرن' است.	شاخه‌هایی در مصر، تونس، چاد و نیجر دارد

۳. لیبی شرقی :

منطقه	نام قبایل	شهر	توضیحات
لیبی شرقی	ازهم - زاویه ، قبیله الزویه	تا حد زیادی در بنغازی ، اجنادیاء کفره، تزیبو و مناطق اطراف	بزرگ‌ترین و با نفوذترین قبیله در شرق لیبی (سیرنیکا) هستند. شیوخ این قبایل تهدید کرده‌اند که اگر اروپا برای برکناری قذافی اقدام نکند چاه‌های نفت را به روی این قاره خواهند بست.
	بنی سلیم (سلیم بانو)	بنی سلیم در سیرنیکا	از بنی هلال و قبایل بنی سلیم از عربستان
	مصرااته قبیله مصرااته	ساکن در شرق لیبی تعدادی از شهرها و روستاها از جمله بنغازی و دارنه	نام سومین شهر بزرگ در لیبی است
	العواجیله	موجود در منطقه برقع از سیرنیکا اجنادیبه	با سابقه مقاومت در برابر ایتالیایی‌ها، تواجیر و رامله و کرگلا از قبایل برجسته می‌باشند و کوار یک گروه از قبایل در منطقه است.
	العبیده (اولاد الشیخ)	تبروک در شرق لیبی و در منطقه جبل الاخضر .	وزیر کشور پیشین لیبی یعنی عبدالفتاح یونس العبیدی از این قبیله است که به انقلابیون پیوست
	دراسه مزامیر، البراساء، الفاخر، العبیدی		
	فرجان	عمدتا از غرب (اجنادیاء) سرت و همچنین در غرب زلیتن بیشتر است	

قبایل بربر لیبی:^۱

بربرها ساکنان بومی لیبی و صحرای بزرگ آفریقا هستند؛ قبایل بربر متعددی در شرق لیبی، غرب لیبی و در سراسر صحرای لیبی وجود دارد که دانستن تعداد دقیق آن‌ها بسیار دشوار است. با این حال آن را به طور گسترده ای مورد ارزیابی قرار داده اند که بربرها بین ۱۰٪ و ۲۳٪ از جمعیت لیبی را تشکیل داده، و در نتیجه با فرض متوسط ۱۷٪ تعداد آن‌ها کمتر از یک میلیون خواهد بود. بربرها یک گروه از قبایل هستند که مربوط به نژاد حام، می‌باشند که اصل و نسب آن‌ها با زبان مصر باستان، چادی و زبان اوموستیک از شرق آفریقا می‌باشد و مربوط به نژاد حام زبان و زبان سامی (مانند فنیقی، اکدی، عبری و عربی) هستند.

تا قرن نهم میلادی فرمان‌روایان مسلمان نتوانستند به طور کامل «بربرها» را تحت نفوذ خود قرار دهند. بربرها چون اغلب در خارج از شهرها سکنی می‌گزیدند تاثیر سلطه و نفوذ خارجیان بر آنان چندان موثر نمی‌افتاد لذا تا قرن یازدهم میلادی زبان عربی و دین اسلام منحصر به مناطق شهر نشین می‌گردید.

بربرها نژاد اصلی لیبیائی‌ها می‌باشند. از نظر زبان و فرهنگ، بربرها بکلی با اعراب تفاوت دارند و نیز بر خلاف اعراب که خود را ملتی واحد می‌شمارند وجه مشخصه بربرها قبایل و تیره‌های آنان است. از نظر زبان‌شناسی زبان بربری، جزء خانواده زبانی شاخه آسیایی - آفریقایی است و با عربی تفاوت فاحشی دارد و از نظر ادبی و نوشتاری بسیار محدود است.^۲ بربرهای لیبی را می‌توان به سه گروه در سه منطقه تقسیم نمود:

^۱. The Berber Tribal Groups of Libya see (<http://www.temehu.com/tuareg-confederacies>)

^۲. بهرام افراسیابی، پیشین، ص ۳۷

منطقه	قبایل	شهر	توضیحات
غرب لیبی	ویلول	شهرستان ساحلی زواره	متشکل از گروهی از ۱۲ قبیله فرعی زوارا
	المنصوری یا قبیله منصور	در کوه‌های غربی و شهرک‌های بربرنشین	در میان ساسیون از این قبیله با نفوذ افرادی وجود دارند. تقریباً همه وزرا و سیاستمداران با نفوذ دولت آدریس، شاه از بره‌های زواره بودند و خود را از نسل شاه آدریس ستوسی می‌دانند.
	قبایل لولو، الادرسی، قبیله اساء، ظفور، لجسر، اتوش	—	—
	نفوسه	در کوه‌های غربی، از جمله شهرهای یفرن، کاباو، جنوه و نالوت	در قرن نهم در قلعه الیعقوب سکنه، گزیدند. برجسته‌ترین آن‌ها بفر، البرونه، بوده، و در میان آن‌ها سلیمان البرونه در مبارزه با ایتالیایی‌ها نقش داشته است.
شرق لیبی	—	اوسس از جالو و اوچیل	در کشور مصر نیز حضور دارند.
جنوب لیبی	الطوارق	در شهرهای غدامس، غات و جانبیت در صحرای بزرگ و اوسس	در تعدادی کشورهای مغرب عربی بوده‌اند. این قبیله به انقلابیون پیوست.

بی‌قراری در گفتمان نظام سلطه

در یک نگاه کلان نباید بازیگران اصلی و جبهه اصلی درگیری لیبی را بین مردم و قذافی دانست. بلکه نزاع اصلی بین هژمونی لیبرال دمکراسی غرب و آلترناتیوی به نام «بیداری اسلامی» در همسایگی اروپاست. لذا برای تحلیل دقیق شرایط کنونی لیبی و اثبات این مدعا ضروری است این تحولات در بستر تحولات کل خاورمیانه و بیداری اسلامی در جهان اسلام تبیین گردد. براین اساس تلاش می‌گردد ابتدا چارچوبی برای تحلیل کلی از بیداری اسلامی ارائه و براساس همین چارچوب شرایط کنونی لیبی، نقش آمریکا و غرب در این تحولات و راه‌کارهای جمهوری اسلامی در قبال تحولات لیبی بررسی گردد.

برای انتخاب چارچوب تحلیلی که بتواند ضمن تبیین شرایط فعلی لیبی راه‌کارهایی برای سازمان‌های برون مرزی جمهوری اسلامی ایران نیز ارائه دهد، باید بر «نگرش» حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی پایبند بود. براین اساس تلاش می‌گردد

چارچوب تحلیلی مبتنی بر «نگرش» رهبر معظم انقلاب مورد استفاده قرار گیرد. براساس این نگرش بیداری اسلامی در منطقه تنها یک شورش و اعتراض مردمی صرف نیست بلکه تحولی بنیادی در تداوم حرکت انقلاب اسلامی می‌باشد چنان‌که مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

«حوادثی که اخیراً در منطقه اتفاق افتاده است - حوادث مصر، تونس، لیبی، بحرین - حوادث بسیار مهمی است. یک تحول بنیانی دارد در این منطقه‌ی اسلامی و عربی انجام می‌گیرد؛ این نشانه‌ی بیداری امت اسلام است. همین چیزی که ده‌ها سال است شعار آن در جمهوری اسلامی داده می‌شود، امروز در متن زندگی این کشورها دارد خود را نشان می‌دهد.»^۱

مولفه‌های اساسی در این نگرش عبارتند از:

۱. حضور مردم: یکی از مولفه‌های اساسی در خیزش‌های منطقه، مولفه حضور گسترده و پایدار مردم در شروع و تداوم خیزش‌هاست، حتی نخبگان عرب نیز از این حضور تاریخی مردم عقب ماندند و در واقع این نخبگان نبودند که مردم را به صحنه فراخواندن بلکه به عکس این حضور و پافشاری مردم بود که نخبگان و روشن‌فکران عرب را به حمایت واداشت.
۲. سمت و سوی دینی حرکت‌ها: مولفه اصلی دیگر در انقلاب‌های اخیر سمت و سوی اسلامی این حرکت‌هاست که این مدعا چه در سابقه این حرکت‌ها، چه در محتوا و اهداف اعتراضات و حتی در ظاهر حرکت‌ها مشهود است؛ چنانچه پایگاه این انقلاب‌ها در روزهای جمعه و در نمازهای جمعه بود:

مقام معظم رهبری در خصوص این دو مؤلفه می‌فرمایند:

«دو خصوصیت در این تحولات وجود دارد: یکی عبارت است از حضور

^۱ مقام معظم رهبری ۹۰/۰۱/۰۱ <http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=۷۸۹۸>

مردم، و دیگری عبارت است از سمت و سوی دینی در این حرکتها. این، دو عنصر اساسی است. حضور مردم با جسم خودشان؛ همان انقادی که در انقلاب اسلامی افتاد. احزاب و پشت میز نشینها و برج عاج نشینها و تحلیل‌گرهای ذهنی هیچ کاری نتوانستند انجام دهند. هنر بزرگ امام بزرگوار ما این بود که توانست مردم را وارد صحنه کند. وقتی مردم به عرصه آمدند، جسم خودشان را، دل خودشان را، نیت و همت خودشان را وارد عرصه کردند، گره‌های کور باز شد، راه‌های بن‌بست گشوده شد. امروز همین اتفاق دارد در کشورهای دیگر می‌افتد.^۱

۳. جریحه‌دار شدن غرور و عزت مردم یکی از مهم‌ترین علل وقوع قیامها محسوب می‌گردد. به راستی چه عاملی توانست سیل جمعیت مسلمانان متفرق را گردهم آورد و انقلابی گسترده شکل دهد؟ جریحه دار شدن غرور، عزت و کرامت انسانی مردم، بدست حاکمان ظالم علت اصلی خیزش‌ها بوده است:

«آن چیزی که آنها را کشاند، به صورت واضحی مسئله‌ی عزت و کرامت انسانی آنها بود. در مصر، در تونس و همچنین در کشورهای دیگر، غرور مردم به دست این حاکمان ظالم جریحه‌دار شده بود... مثلاً در لیبی با این که قذافی در سال‌های اول روی کار آمدن، گرایش ضد غربی نشان می‌داد، اما در سال‌های اخیر خدمات بزرگی به غربی‌ها کرد. آنها هم به چشم خودشان دیدند که با یک تهدید خشک و خالی، این آقا امکانات هسته‌ای خودش را جمع کرد، همه را سوار کشتی کرد، داد به غربی‌ها، گفت بپرید! ببینید ملت ما در چه وضعیتی قرار دارد، آنها در چه وضعیتی قرار دارند.»^۲

۴. دخالت‌های امریکا و غرب در امور داخلی کشورها: یکی از مهم‌ترین عوامل این قیامها را می‌توان دخالت غرب به ویژه امریکا در کشورهای اسلامی دانست که

^۱. مقام معظم رهبری ۹۰/۰۱/۰۱ - <http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=۷۸۹۸>

^۲. مقام معظم رهبری ۹۰/۰۱/۰۱ - <http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=۷۸۹۸>

کرامت و عزت مردم این کشورها را جریحه دار کرده است. در این رابطه شاخصه‌های ذیل قابل ذکر است.

الف. حمایت از دیکتاتورها: چنانچه شواهد تاریخی و اساساً اعلام رسمی سیاست‌مداران نشان می‌دهد آمریکا اصلی‌ترین حامی و پشتیبان دیکتاتورهایی چون بن علی، حسنی مبارک و حتی قذافی بوده است. و این حمایت را تا بدانجا که منافعشان را تامین می‌کند ادامه خواهند داد.

ب. تلاش برای حفظ شاکله نظام بعد از دیکتاتورها: از آنجا که نفوذ ده‌ها ساله آمریکا و غرب نه تنها حاکمان دیکتاتور را تعیین نموده است بلکه نظام دیکتاتوری و ساختار وابسته به غرب را نیز در این کشورها نهادینه نموده است و لذا گزینه بعدی آمریکا پس از سقوط متحدانش در منطقه حمایت از شاکله نظام خواهد بود:

«موضع آمریکائی‌ها چه بود؟ برای ما این مهم است. آمریکائی‌ها اول در مقابل این حوادث متحیر ماندند، دچار بی‌تحلیلی شدند؛ نمی‌فهمیدند چه دارد اتفاق می‌افتد، باورشان نمی‌آمد. بعد از آن که این حوادث اتفاق افتاد، چون تحلیل درستی از حوادث نداشتند، مردم را نمی‌شناختند، مواضع متناقضی گرفتند. البته آنچه که تا امروز در مورد این کشورها و دیگر کشورها همواره در رفتار آمریکائی‌ها دیده شده، پشتیبانی از دیکتاتورها بوده است... آنچه که برای غرب و برای آمریکا اتفاق افتاد، حقیقتاً غیر قابل تحمل بود و هست... آن‌ها نتوانستند این ستون را به نفع خودشان حفظ کنند؛ ملت‌ها فائق آمدند. آمریکائی‌ها تلاش کردند شاکله‌ی آن نظام را حفظ کنند.»^۱

ج. مصادره انقلاب‌ها: مطمئناً بهترین گزینه دیپلماسی آمریکا و غرب برای کنترل تحولات اخیر، سوار شدن بر موج انقلاب‌ها و شریک شدن در پیروزی‌هاست. آمریکا تلاش خواهد کرد چه در طی وقوع این انقلاب‌ها و چه بعد از پیروزی آن، انقلاب و انقلابیون را در دست بگیرد.

د. شبیه‌سازی انقلاب‌ها: استراتژی دیگر آمریکا مشوش کردن چهره خاورمیانه و

۱. مقام معظم رهبری ۹۰/۰۱/۰۱ - ۷۸۹۸ - http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p_bayanat&id

مشتبه کردن چهره جبهه بیداری اسلامی و جبهه غرب‌گرا خواهد بود، به این‌گونه که با شبیه‌سازی انقلاب‌هایی در ایران و... گرایش‌های اسلامی این انقلاب‌ها را به سمت غرب متمایل نماید:

«این‌ها بعد از آن‌که عوامل خود را در این کشورها از دست دادند، دو تا ترفند را در پیش گرفتند: یکی فرصت‌طلبی، یکی شبیه‌سازی. فرصت‌طلبی‌شان این بود که خواستند این انقلاب‌ها را مصادره کنند؛ یعنی سر مردم را کلاه بگذارند، با آن‌ها اظهار همراهی کنند، افراد طرفدار خودشان را سر کار بیاورند. آن‌ها در این کار شکست خوردند. دوم، شبیه‌سازی بود. شبیه‌سازی یعنی شبیه آنچه را که در مصر و در تونس و در لیبی و در بعضی از کشورهای دیگر اتفاق افتاده است»^۱

در سطور قبل سعی شد نگرش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری بازتعریف و شاخص‌سازی شود. در ادامه تلاش می‌شود تا با کمک از شاخصه‌های احصا شده از کلام مقام رهبری به بررسی تحولات لیبی پرداخته شود. به این منظور ابتدا مروری بر ابعاد داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تحولات لیبی خواهیم داشت تا ضمن شناسایی بازیگران و عوامل تاثیرگذار در عرصه تحولات لیبی بتوانیم راهی برای حضور در معادلات و تحولات این کشور بیابیم.

عوامل داخلی قیام

یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در حوادث و تحولات لیبی، قطعاً مسائل داخلی این کشور بوده است تا آنجا که برخی تحلیل‌گران نقش آن را پررنگ‌تر از سایر عوامل می‌دانند. برای بررسی ابعاد مختلف این مهم، به مولفه‌های اساسی موثر در تحولات داخلی لیبی اشاره می‌گردد:

۱. اسلام خواهی مردم لیبی

"هرابر دکمجیان" پژوهش‌گر صاحب نام در حوزه جنبش‌های اسلامی ۱۵ سال قبل‌تر

۱. مقام معظم رهبری ۹۰/۰۱/۰۱ - ۷۸۸۸ bayanat&id http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p

در کتاب «REVOLUTION IN ISLAM» در خصوص لیبی پس از تحلیل جامعی از تاریخچه و توان اسلام‌گرایی لیبی، این‌گونه قضاوت می‌کند: «اگر نیروهای مخالف موفق به سرنگونی رژیم (حکومت قذافی) بشوند اسلام‌گرایان احتمالاً نقش اصلی را در دولت جدید برعهده خواهند گرفت»^۱ مهم‌ترین دلیل براین ادعا، را می‌توان فریاد اسلام‌گرایی قذافی دانست. قذافی همواره مشروعیتش را از اسلام‌گرایی گرفته است اگرچه خود او برخلاف مدعی و شعارهایش بارها و به شدت اسلام‌گرایان را سرکوب نمود. به اعتقاد "دکمجیان"، «توسعه کند اسلام‌گرایی در لیبی نتیجه حکومت شخصی معمر القذافی بوده است. قذافی از کودتای سپتامبر ۱۹۶۹ در پی تدوین فرمول گلچین شده‌ای از مشروعیت سیاسی بوده است که انعکاس دیدگاه خاص او از جامعه ایده آل و نقش شخصی خود وی به عنوان رهبر آن جامعه است. گرچه ترکیب «فرمول سیاسی» او در طول زمان تغییر کرده است، اما همیشه در برگیرنده یک جزء اسلامی بوده است که حکایت از کارآیی آن به عنوان یک ابزار مشروعیت بخشی دارد.»^۲

سال‌ها پیش، قذافی ادعا کرد اولین دولت اسلامی معاصر را تشکیل داده است. او به عنوان بخشی از انقلاب فرهنگی خود در سال ۱۹۷۳م قوانین شریعت را جایگزین قوانین موجود کرد اما این کار به نحوی انجام گرفت که باعث تهدید نقش سنتی روحانیون و قضات اسلامی گردید که پیامد آن سرکوب مستمر آن‌ها و اعدام چندتن از رهبران مذهبی بوده است. قذافی با اخوان المسلمین و دیگر گروه‌های بنیادگرا هم درگیر بود و آن‌ها را وادار به تبعید یا فعالیت زیرزمینی کرد. دین یا هر آرمان یا فلسفه دیگری که می‌توانست مردم لیبی را خارج از نظارت قذافی دور هم جمع کند پس از به قدرت رسیدن وی در سال ۱۹۶۹م بسیار محدود بود. اسلام‌گرایان از مهم‌ترین قربانیان حکومت مطلقه وی بوده‌اند. نیروهای امنیتی در سال ۱۹۹۶م بیش از هزار زندانی را در زندان ابو سلیم در طرابلس کشتند. این زندان محل نگهداری معترضین اسلامی بود و این اقدام شاید خونین‌ترین

^۱ هرابر دکمجیان، اسلام در انقلاب، ترجمه حمید احمدی، تهران انتشارات کیهان چاپ چهارم ۱۳۸۳ ص ۳۴۵

^۲ همان ص ۳۴۱

اقدام در دوران قذافی به حساب می‌آید. داشتن ریش بلند و حتی حضور در مسجد به طور مرتب موجب درد سر می‌شد. "سلعی" می‌گوید: "وی (قذافی) مردم را محدود به دادن شعارهای عبادی کرده بود و می‌گفت خدای شما تنها در مسجد است. در دنیای بیرون // مسجد) جایی برای او وجود ندارد و در غیر این صورت به زندان می‌روید.

"بنیادگرایان اسلامی در اواسط ۱۹۹۰ با استفاده از افزایش ناراضی‌های اقتصادی، رژیم را با شدت بیشتر در معرض چالش قرار دادند. حملات ضد حکومتی توسط سازمان‌هایی نظیر گروه "مبارزین اسلامی لیبی" و "جنبش شهدای لیبی" بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸ در حدود ۶۰۰ نفر کشته داشت. در این میان شهر بنغازی تبدیل به یکی از پایگاه‌های اصلی این گروه‌ها شده بود و در می‌۱۹۹۸ قذافی حدود ۱۰۰۰ سرباز را برای از بین بردن سلطه آن‌ها بر شهر بنغازی و اخراج آن‌ها اعزام کرد.^۱

تحلیلگران معتقدند پس از ده‌ها سال محدودیت‌های شدید که از سوی معمر قذافی تحمیل شده است، احیای اسلام، در شرق لیبی (که در دست انقلابیون است) در حال شکل‌گیری می‌باشد. روحانیون این کشور می‌گویند تلاش برای احیای اسلام، به افراط‌گرایی جدید مذهبی آن‌گونه که غرب از آن وحشت دارد تبدیل نخواهد شد. محدودیت اعتقادات اسلامی در شرق لیبی، از زمان تصرف آن توسط مخالفان ضد قذافی، کمتر شده و پیش‌بینی می‌شود، پس از قذافی، اسلام و روحانیون نقش پررنگ‌تری در تحولات آینده لیبی داشته باشد. شاهد این مدعا آن است که برخی از مخالفان به نشانه اعتقادات بیشتر اسلامی ریش گذاشته‌اند، نماز در ملاء عام برگزار می‌شود، کتاب‌های دینی به خوبی به فروش می‌رسند و برنامه‌هایی برای ایجاد مراکز مطالعاتی شرع اسلام در دست تهیه است. تمامی این اقدامات در حکومت قذافی به بازداشت و زندانی شدن منجر می‌گردید. "اسامه السلعی"، روحانی سرشناس و استاد علوم شرعی در بنغازی، پایتخت موقت شورشیان به خبرنگار رویترز گفت: «اوضاع در لیبی آزاد به وضعیت طبیعی

۱. بروس چنتلسون، پیشین، ص ۳۶

خود برگردانده خواهد شد، وضعیت طبیعی انجام اعمال مذهبی در زندگی، در اخلاقیات مردم، راه و روش‌های آنان و بازگشت آن‌ها به مساجد است». به گفته "سلیم جابر" برجسته‌ترین روحانی در شرق کشور و رئیس هیئت نظارت بر مساجد، پیشرفت انقلابیون در جبهه نبرد به نفع آرمان اسلام در لیبی تمام شده است. "جابر" همچنین مدعی شد: «ما در حال ملحق شدن به یکدیگر هستیم و اسلام‌گرایان و سکولارها برای به وجود آوردن راهی میانه به هم می‌پیوندند.»

ممکن است غرب از برنامه‌های اسلام خواهان برای تشکیل مدارس شرعی، رواج ریش‌های بلند و درخواست عمومی برای جهاد علیه قذافی، احساس خطر کرده است و ترس از توسعه حرکت‌های سلفی و مشخصاً القاعده در غربی‌ها قابل مشاهده است. اما باید توجه داشت که، نشانه‌های پراکنده‌ای از سلفی‌گری در لیبی دوران قذافی مشاهده شده و نمونه‌های آن کمتر از مواردی است که در مصر و مراکش ملاحظه گردیده است، و هنوز حضور شاخه شمال آفریقای القاعده در لیبی ثابت نشده است.^۱ با همین پیش زمینه‌هاست که سران انقلابی معتقدند: «وقتی دانشمندان علوم شرعی در تحصیل مردم و در درک آن‌ها از دین نقش ایفا کنند، افراط‌گرایی، تروریسم و یا افکار انحرافی در کار نخواهد بود.»^۲ بر همین اساس با توسعه و تاسیس مدارس دینی مخالفت نمی‌کنند.

با توجه به این مباحث پیش‌بینی می‌شود تعریف دوباره نقش اسلام در لیبی جدید با توجه به وجود سطوح مختلف اعتقادات مذهبی مردم و احتیاط در برابر افراط‌گرایی دینی در داخل و خارج از کشور کاری مشکل خواهد بود. معترضین در نهایت قصد دارند قانون

^۱ در روش‌های سلفی اصولاً خروج علیه نظام ظالم معنایی ندارد و خود سلفی‌ها اعتقاد دارند که سلطان ظالم بهتر از فتنه دائم است، یعنی این حرکت‌های انقلابی و نهضت‌های مردمی در این گونه نظام‌های فکری جایی ندارد. بنابراین این‌که این امکان وجود دارد که علیه نظام حاکم شورید و با سلطان ظالم به مبارزه برخاست و یا مبارزه مردم با دست‌های خالی و با انقلاب آرام بدون حمایت خارجی، حرکت و قیامی است که ایده و روش خود را از انقلاب اسلامی ایران گرفته‌اند. اساس حرکت این جنبش‌ها این است که "الاسلام هو الحق"، اسلام تنها راه آزاد سازی ملت‌ها از یوغ قدرتهای استکباری و سلطه گر و همچنین نظام‌های استبدادی و طاغوتی است. رک. دکتر محمدرضا دهشیری در :

<http://rovatehadis.com/archives/۱۱۳۰۸>

^۲ پایگاه خبری-تحلیلی فرارو <http://www.afiran.ir/modules/smartsection/item.php?itemid=۱۴۲۸>

اساسی جدید و جایگزین برای اصول حکومتی قذافی تدوین کنند. اعضای "شورای ملی انتقالی" گفته‌اند که خواهان یک نظام مردم سالار، سکولار^۱ با انتخابات آزاد هستند. این گونه اظهارات موجب تشویق قدرت‌های غربی به مداخله نظامی خارجی علیه نیروهای قذافی گردیده است. در مقابل این اظهار نظرها "سلعی" و "جابر" تأکید دارند که شرع اسلام نقشی کلیدی در جامعه لیبی بعد از قذافی ایفا خواهد کرد. سلعی مدعی است «هیچ قانونی در مغایرت با شرع وجود نخواهد داشت. این بدان معنا نیست که یک کشور شدیداً مذهبی ایجاد گردد. بحث بین مسلمانان تندرو و میانه‌رو بر سر نقش اسلام در دوران بعد از قذافی از هم اکنون آغاز شده ولی تا کنون این امر منجر به تنش یا نزاع نگردیده است. هیچ تنشی وجود ندارد. اختلافات عادی وجود دارد. این اولین بار است که چنین مباحثاتی را داریم. در این وضعیت چه کسی تصمیم می‌گیرد؟ مردم تصمیم می‌گیرند.» اما نکته قابل اهمیت وافر «قانون اساسی اسلامی» است که مد نظر مخالفان حکومت قذافی قرار گرفته است. "جابر" نیز معتقد است: «مردم لیبی باید در این مورد تصمیم بگیرند. قانون اساسی باید منعکس‌کننده ترکیب جمعیت لیبی باشد و مردم، مسلمان هستند. بنابر این ما می‌خواهیم شرع متبعی برای قانون اساسی باشد. بعد، مردم رأی خواهند داد و اگر بخواهند آن را تغییر دهند، اختیار با آن‌ها است.»^۲ با توجه به نکاتی

^۱ شاید شبیه چیزی که الان در ترکیه اسلامگرایی کنونی یا برخی کشورهای اسلامی دیگر رایج است. قیام کنندگان با حرکت‌های اسلامی و با بیان دیدگاه‌های اسلامی خودشان نشان دادند که این حرکتها از وجهه و صبغه اسلامی برخوردار است، بنابراین واقعیت این است که تحلیل‌هایی که در مورد سکولاریست بودن این حرکتها یا برون‌زا بودن آن‌ها یا اتصال این موجهای بیداری با حرکت‌های تندرو سلفی مطرح می‌شود غیرممکن است اگرچه امکان دارد عده ای درصدد بهره‌گیری از این تحولات باشند اما ماهیت این تحولات جنبه و وجهه دیگری به غیر از اسلامی بودن ندارد قدر مسلم این است که این جنبشها در روش خودشان از انقلاب اسلامی ایران الهام گرفته‌اند، ما باید بین دو چیز تمایز قائل شویم یکی روش اقدام و روش قیام و دیگری نوع نظام حکومتی است که مورد نظر قیام کنندگان است. ممکن است که اینها نظام دموکراتیک بدون قالب جمهوری اسلامی به طور ظاهر اقدام کنند ولی اینها به دلیل این است که اینها نمی‌خواهند متناسب شوند به این که از خارج الهام گرفته‌اند، جریان استبداد که مدت‌هاست که این کشورها را در بر گرفته، دوم علیه فساد که به دلیل دسترسی حکام این منطقه به پولهای نفت تلاش دارند تا از این پول‌ها بهره‌گیرند سوم ارتباط این رژیم‌ها با آمریکا و به ویژه رژیم صهیونیستی که به نوعی حکومتها در مقابل این رژیم سر سازش خم کردند. ر.ک. دکتر محمدرضا دهشیری در:

<http://rovatehadis.com/archives/۱۸۳۰۸>

^۲ پایگاه خبری - تحلیلی فرارو <http://www.afiran.ir/modules/smartsection/item.php?itemid>

که ذکر شد می‌توان مدعی شد اسلام‌خواهی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مبارزان لیبیایی است که هرچند در شرایط جنگی کنونی در لایه‌های زیرین قرار دارد اما با سقوط قذافی این درخواست‌ها به شکل آشکاری در محافل بیان خواهد شد.

۲. جریحه دار شدن غرور و کرامت مردم لیبی:

جریحه‌دار شدن غرور مردم در لیبی و زیر سوال رفتن کرامت انسانی در این کشور نیز، به عنوان یکی از عوامل خیزش در این کشور محسوب می‌گردد.

«در لیبی با این‌که قذافی در سال‌های اول روی کار آمدن، گرایش ضد غربی نشان می‌داد، اما در سال‌های اخیر خدمات بزرگی به غربی‌ها کرد. آن‌ها هم به چشم خودشان دیدند که با یک تهدید خشک و خالی، این آقا امکانات هسته‌ای خودش را جمع کرد، همه را سوار کشتی کرد، داد به غربی‌ها، گفت ببرید! ببینید ملت ما در چه وضعیتی قرار دارد، آن‌ها در چه وضعیتی قرار دارند.»^۱

کنار گذاشتن همه فعالیت‌های هسته‌ای از سوی قذافی در دسامبر ۲۰۰۳ م به نوعی یک شوک در جهان سیاست و یک موفقیت برای دیپلماسی سلطه‌طلب آمریکا محسوب می‌شود.^۲ بعد از حل بحران موشکی کوبا در سال ۱۹۶۲ خلع سلاح لیبی بزرگ‌ترین موفقیت برای دیپلماسی سلطه‌جویانه آمریکا محسوب می‌شود.^۳ آمریکا در سه مرحله دیپلماسی سلطه را در مورد لیبی به کاربرد. **مرحله نخست** (۱۹۸۱-۱۹۸۸م) در دوره ریگان؛ اعمال تحریم علیه لیبی در برنامه قرار گرفت؛ در **مرحله دوم** (۱۹۸۹-۱۹۹۸م)؛ این استراتژی مبتنی بر چند جانبه‌گرایی همراه با تحریم اهمیت پیدا کرد؛ و **مرحله سوم** (۱۹۹۹-۲۰۰۳)؛ شامل مذاکرات سری بود که در نهایت به توافق ۱۹ دسامبر ۲۰۰۳ انجامید و طی آن لیبی همه فعالیت‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک خود را کنار گذاشت و

^۱ مقام معظم رهبری ۹۰/۰۱/۰۱ - <http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=۷۸۹۸>

^۲ بروس جنتلسون، پیشین، ص ۵

^۳ همان ص ۷

بازرسی‌های کامل را پذیرفت.^۱ در این زمان شرایط اقتصادی و سیاست داخلی لیبی به گونه‌ای تغییر کرده بود که امکان تاثیرگذاری فشارهای اجباری امریکا را افزایش می‌داد و نارضایتی اقتصادی زمینه را برای بی‌ثباتی سیاسی فراهم کرده بود.^۲ می‌توان مدعی شد این حوادث هر آنچه قذافی به آن می‌بالید را از او ستاند و به خودی خود مشروعیت حکومت او متزلزل شد.

بازیگران فرا منطقه‌ای کنترل انقلاب لیبی:

آمریکا در رأس ناتو مهم‌ترین بازیگر فرامنطقه در لیبی است. چرا که آمریکا سال‌هاست که دیپلماسی فعالی نسبت به لیبی داشته و تلاش نموده است منافع ملی خود را با منابع عظیم نفتی لیبی پیوند دهد، اما در شرایطی که بعد از سال‌ها بالاخره در سال ۲۰۰۳ امریکا توانست قذافی را به زانو درآورد و سایه خود را بر فراز لیبی افکند، از دست دادن لیبی و قدرت گرفتن اسلام‌گرایان در این کشور استراتژیک شکست بزرگی برای دیپلماسی امریکا خواهد بود. در کنار آمریکا، فرانسه، ایتالیا و برخی از دیگر کشورهای اروپایی که منافع نفتی و غیرنفتی خود را در این کشور در خطر می‌بینند تحت لوای ناتو حضور مستقیم نظامی در این کشور پیدا نموده‌اند. منافع آمریکا و اروپا در لیبی منحصر به منافع مادی و نفتی نیست، بلکه معادلات سیاسی نیز نقش مهمی در این میان دارد؛ چنانچه "تونی بلر" نخست وزیر اسبق انگلستان چندی پیش در پاسخ به این پرسش که چرا کشورهای غربی کشور لیبی را از لیست دولت‌های تروریستی خارج کردند، گفت: «این که ما توانستیم از یک حامی تروریسم (قذافی) یک مبارز علیه تروریسم بسازیم، یک موفقیت برای غرب است.»

طی چند سال اخیر روابط قذافی با رهبران غربی آنقدر نزدیک شده بود که طرابلس به پایتخت پر رفت و آمد برای مقامات غربی تبدیل شده بود. کشورهای غربی روی "سیف الاسلام قذافی" فرزند "معمر قذافی" به عنوان شخصیتی لیبرال که جانشینی مناسب

۱. همان

۲. همان ص ۳۵

برای پدرش است سرمایه‌گذاری کرده و امید فراوان بسته بودند. کشورهای غربی پس از تغییر ریشه‌ای رویکردهای سیاست خارجی لیبی و نیز سرمایه‌گذاری فراوان قذافی در آنچه مبارزه علیه تروریسم بین‌المللی خوانده می‌شود، موجب شد که کشورهای غربی از جایگاه لیبی برای برقراری موازنه قوا در آفریقا استفاده کنند.

با توجه به توضیحات فوق و حساسیت تحولات لیبی برای آمریکا و اروپاست که شاهد تردیدهای فراوان دیپلمات‌های غربی در اتخاذ سیاستی روشن در قبال لیبی هستیم، از سویی دولت قذافی تامین‌کننده منافع و متحدشان شده است و از سویی نمی‌توانند در برابر موج عظیم اسلام‌گرایی مقاومت نمایند. از این جهت است که به اعتقاد دکتر "ولایتی" «غربی‌ها در رابطه با لیبی چند جور تصمیم گرفتند. اول کمی صبر کردند، وقتی دیدند که قدرت انقلابیون بالاست، قطعنامه صادر کردند. ضمن بمباران لیبی، در ایتالیا و جاهای دیگر با دولت قذافی مذاکره می‌کردند و الآن نیز هم با مبارزین مذاکره می‌کنند و هم با قذافی. هر وقت لازم بینند یک مقدار نیروهای قذافی را بمباران می‌کنند و یک مقدار مبارزین را! بعد هم می‌گویند اشتباه شده است. مگر می‌شود ده، دوازده بار اشتباه شود؟ مشخص است که پایگاه مبارزین شرق لیبی است، پایگاه حکومت قذافی غرب لیبی؛ چطور هواپیماهای غربی که می‌توانند کوچک‌ترین حرکت را بر روی زمین رصد کنند برای چندمین بار انقلابیون را اشتباه بمباران کنند؟ آمریکایی‌ها سعی می‌کنند که هم قذافی تضعیف شود، هم انقلابیون رشد نکنند و هم در این بین فعالیت‌های سیاسی خودشان را انجام بدهند و با نوعی رفتار کج‌دار و مریض نگذارند مسلمانان روی کار بیایند.»

آمریکا با استفاده از فرصت به دست آمده و سناریوی الگو سازی برای فرآیند دولت‌سازی پس از دوران گذار و فرسایش نرم روند انقلاب سعی خواهد نمود که سمت و سوی انقلاب مردم را به طرف خودش سوق دهد که هزینه کمتری نسبت به دخالت نظامی خواهد داشت و اگر هیچ یک از طرفین پیروز نشدند نبرد طولانی مدت طرفین را ضعیف و خلع سلاح می‌کند و آمریکا می‌تواند با کمترین هزینه با مداخله نظامی منافعش

را تامین نماید پس در هر صورت باید سیاست صبر و انتظار را در پیش می‌گرفتند تا گذشت زمان، مشخص کننده نوع برخوردشان با تحولات لیبی باشد.

در مرحله بعد، مداخله و اشغال نظامی لیبی به وسیله آمریکا و اروپا حتی ممکن است به تجزیه این کشور در آینده هم منجر شود؛ زیرا احتمال شکل‌گیری یک دولت اسلامی در لیبی از یک سو مرزهای جنوبی رژیم صهیونیستی را با چالش جدی مواجه می‌کند و از سوی دیگر این مسئله یک چالش امنیتی بزرگ برای اتحادیه اروپایی به حساب می‌آید.^۱ به نظر می‌رسد آمریکا تا آخرین لحظه که امکان سیاسی و دیپلماتیک داشته باشد حکومت ضعیف شده فعلی لیبی را حفظ می‌نماید و حافظا تداوم زندگی قذافی و شریان‌های نفت خواهد بود. در فاز بعد هنگامی که یا به علت قدرت اسلام‌گرایان و یا به دلیل یافتن گزینه‌های بهتر تاریخ مصرف حکومت قذافی تمام شود، آمریکا تلاش خواهد نمود شاکله کلی نظام حکومت قذافی را با تغییراتی ظاهری حفظ نماید. چراکه با توجه به موج بیداری اسلامی و قدرت اسلام‌گرایان آمریکا گزینه دیگری جز تداوم شاکله کلی نظام سیاسی قذافی را ندارد.

ظرفیت‌های پیش‌روی دیپلماسی جمهوری اسلامی

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان داخلی و خصوصا خارجی، تحولات و انقلاب‌های شکل گرفته در کشورهایی چون تونس، لیبی، یمن و به ویژه مصر متأثر از انقلاب اسلامی ایران بوده است؛ در ابتدای تحولات منطقه روزنامه آمریکایی "واشنگتن تایمز" نوشت: «انقلاب خمینی همچنان در حال سرکوب قدرت آمریکاست و جنبش‌ها و قیام‌های زنجیره‌ای همان‌گونه که به شدت به نفوذ آمریکا آسیب زده است، نفس‌های اسرائیل را نیز به شماره انداخته است؛ این روزها، موضوع پیش‌روی را کشاکش دو هژمونی و نبرد گفتمانی میان ایران اسلامی و ایالات متحده می‌دانند.»

"دان مریدور" معاون "نتانیاهو"، طی یادداشتی در "جرزالم پست" می‌نگارد: «با

^۱ قاسم غفوری. «هراس آمریکا از دگرگونی چهره خاورمیانه»، روزنامه جام‌جم (۱۱/بهمن/۱۳۸۹). در:

<http://www.irdc.ir/fa/content/۱۲۴۵۷/default.aspx>

بررسی تحولات منطقه، گسترش نفوذ و قدرت نرم ایران در مقابل هژمونی آمریکا قرار گرفته است.» «فارین پالیسی» نیز از تغییر شرایط و مختصات منطقه به سود ایران اسلامی می‌نویسد و صریحاً با مذمت آن‌هایی که توهم تغییر رژیم ایران را در سر می‌پرورانند می‌افزاید: «تخیلات بیش از حد درباره تغییر رژیم در جمهوری اسلامی تنها اوضاع را بدتر خواهد کرد.» مجله آمریکایی «تایم» در تحلیلی با اشاره به تحولات منطقه این‌چنین ارزیابی می‌کند: «موج انقلاب‌ها در کشورهای عربی در آغاز سال ۲۰۱۱م در حال چرخش به میدان نبرد نیابتی میان آمریکا و ایران است.» «نیوزویک» نیز می‌نویسد: «درگیری‌های منطقه بخشی از نبرد و کارزار میان هژمونی ایالات متحده آمریکا و ایران در خاورمیانه است و آمریکا بازنده‌ی تحولات است چون دوره راهبردهای سیاسی واشنگتن در منطقه سپری شده و زمان شکل‌گیری آن‌ها به زمان وقوع جنگ سرد مربوط می‌شود.»^۱ در چنین شرایطی که لیبی بین دو اردوگاه غرب و بیداری اسلامی دست و پنجه نرم می‌کند و آمریکا حضور مستقیم نظامی یافته است، جمهوری اسلامی ایران به عنوان سبب انقلاب اسلامی و قدرتمندترین دولت حامی جریان بیداری اسلامی در جهان اسلام رسالت سنگینی برعهده دارد. مبتنی بر اطلاعات و تحلیل‌های ارائه شده در خصوص تحولات لیبی مروری بر ظرفیت‌های پیشرو دیپلماسی جمهوری اسلامی در قبال لیبی خواهیم نمود.

حضور مردم: حدود ۹۷٪ جمعیت لیبی مسلمان هستند که این خود یک عامل برتری نفوذ جمهوری اسلامی ایران می‌تواند باشد، در شرایطی که آمریکا و ناتو از این اشتراک دینی برای نفوذ در لیبی محرومند. این مورد زمانی اهمیت بسزایی می‌یابد که بدانیم در شرایط فرهنگی فعلی جهان اسلام و خاورمیانه «بیداری اسلامی» در حال تبدیل شدن به گفتمان برتر شده است. از سویی ساختار اجتماعی لیبی بر پایه قبیله شکل گرفته است و در تعیین سیاست‌ها باید به این مولفه مهم اجتماعی در لیبی توجه داشت. براین اساس به نظر می‌رسد حضور مردم که یکی از دو مولفه اصلی در خیزش لیبی است از سویی فرصت

۱. حسام الدین برومند، «فردای منطقه»، روزنامه کیهان (۹۰/۰۲/۰۸)

مغتنمی برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی خواهد بود، و از سوی دیگر، خیزش نوپای بیداری اسلامی در لیبی به شدت نیازمند همراهی و تقویت از سوی جمهوری اسلامی است. قطعاً این مهم با فعال شدن دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با هدف ارتباط با نخبگان قبایل، مردم لیبی و انتقال تجربیات سه دهه گذشته ممکن خواهد بود.

ظرفیت اسلام‌خواهی: بیان شد که چگونه حرکت مردم لیبی فارغ از ادعاهای صرف، یک بیداری اسلامی سابقه دار است. رویکرد اسلامی خیزش مردم لیبی می‌تواند فرصت تاریخی برای دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران به شمار آید. بعد از سال‌ها محدودیت علیه اسلام‌گرایی و اسلام‌گرایان از سوی قذافی، شاهد رشد اسلام‌گرایی در لیبی هستیم، که این رویکرد با توجه به اشتراک دینی موجود با جمهوری اسلامی و هم‌نوایی آن با بیداری اسلامی در مصر و تونس و... رنگ و بویی انقلابی و معطوف به انقلاب اسلامی ایران دارد که این شرایط فرصتی بی‌بدیل برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی مهیا می‌نماید. اما قرائت‌های غیر اصیل و در عین حال تندرو از اسلام چه از جانب دیپلماسی فعال وهابیت به مرکزیت عربستان و چه سازمان‌های اطلاعاتی امریکا و غرب با هدف تخریب حرکت‌های اسلامی و یا انحراف این جریان به سوی القاعده می‌توان انقلاب کنونی لیبی را به زوال بکشاند و تصویری سیاه از اسلام به جهانیان نشان دهد که می‌بایست سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان در سیاست خارجی ایران آن را مد نظر قرار دهند.

نتیجه:

امروز جمهوری اسلامی با کشوری در شمال آفریقا و همسایگی اروپا مواجه است که شاهد جنگی داخلی است، جنگی بر سر «اسقاط نظام». در یک سوی این جنگ حکومت و ارتش مجهز قذافی قرار دارد و در سوی دیگر مردمی با حداقل ابزار نظامی. از سوی آمریکا و غرب تنها راه حفظ منافع حیاتی و تداوم سلطه اش را در حضور مستقیم نظامی در لیبی دیده است و تلاش دارد تا با طولانی شدن جنگ داخلی دو طرف این تخاصم را ضعیف کند تا راحت‌تر بتواند حرکت‌های داخلی این کشور را کنترل کند.

آنچه که باید به آن متذکر شد شباهت ساختار انقلاب لیبی با دیگر انقلاب‌های شمال آفریقا است که در واقع تقابلی میان قدرت نرم در برابر قدرت سخت بوده است. فرمولی که **حضرت امام خمینی** (ره) از آن به «پیروزی خون بر شمشیر»^۱ تعبیر می‌فرمود. برپایه این تحلیل انقلاب لیبی نه یک شورش کور که یک انقلاب با رویکردی اسلامی و پشتوانه مردمی است و چنین انقلاب‌هایی نشان داده‌اند که نه تنها در مقابل قدرت سخت داخلی که حتی می‌توانند بر قدرت سخت خارجی نیز چیره گردد. مردم لیبی برای پیروزی در این انقلاب چه در کوتاه‌مدت و چه بلندمدت نیازمند نهادینه شدن مولفه‌های اصلی حرکت‌شان خواهند بود؛ یعنی **حضور مردم و رویکرد اسلامی حرکت**. با عنایت به قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و از سوی با نگاهی به واقعیات فرهنگی اجتماعی لیبی از جمله ضعف جریان‌های اجتماعی و علمی در لیبی (برخلاف مصر) دیپلماسی جمهوری اسلامی برای حفظ و بهره‌برداری از این فرصت و برای تبدیل نشدن این فرصت به تهدید ضروری است حضور نرم خود در لیبی را افزایش دهد.

برای حضور فرهنگی جمهوری اسلامی ایران باید از ظرفیت‌های علمی - آموزشی و نهادهای فرهنگی استفاده نمود. در این راستا باید به ظرفیت‌های پیش روی دیپلماسی جمهوری اسلامی در قبال لیبی که در مقاله نیز بررسی گردید مورد توجه قرار گیرد. که مهم‌ترین این ظرفیت‌ها حضور مردم و رویکرد اسلامی حرکت مردم لیبی است. براین

^۱ صحیفه امام، ج ۶، ص: ۴۶

اساس باید تلاش نمود این دو ظرفیت حیاتی را بارورتر نمود. برای این مطلوب بنظر می‌رسد ضروری است سرمایه‌گذاری بلندمدتی در جهت نهادینه کردن معارف حقیقی و قرائت صحیح از "اسلام ناب" در لایه‌های اجتماعی مختلف اعم از مردم عادی و نخبگان صورت گیرد. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های این قرائت ناب از اسلام و مولفه مهم در بیداری اسلامی اصل استکبارستیزی و ضدیت با راس هژمونی لیبرال دموکراسی است، که بر این اساس دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی در لیبی با مخاطب قرار دادن مردم بجای سیاسیون در تلاش برای نهادینه کردن مفاهیم اصیل اسلامی و خصوصا این شاخص اساسی بیداری اسلامی یعنی استکبارستیزی باشیم:

«آمریکائی‌ها، سیاست‌های آمریکائی، با تبلیغات فراوان تلاش می‌کنند که خود را از تیررس حرکت عظیم مردم که امروز در بعضی از کشورهای اسلامی مشاهده می‌شود، دور نگه دارند؛ لیکن این ممکن نیست. این حرکت‌ها در درجه‌ی اول، علیه سلطه‌ی استکبار بر این منطقه است. آن چیزی که ملت‌ها را تحقیر کرده است، سلطه‌ی استکبار است؛ آن چیزی که موجب شده است ملت‌های مسلمان با یکدیگر دست برادری ندهند، یکدیگر را فهم نکنند، نیروهای خود را بر روی هم نگذارند و امت اسلامی به معنای واقعی شکل پیدا نکند، دسائس و دخالت‌های استکبار در این منطقه است؛ این باید جمع شود. ملت‌ها باید از دخالت و تسلط استکبار خلاص شوند و نجات پیدا کنند؛ این کلید حل مشکلات این منطقه است.»^۱

در این مسیر داشتن شناخت فرهنگی و اجتماعی کافی از شرایط لیبی برای سیاست‌گذاران بسیار مهم است، در بین مولفه‌های فرهنگی و اجتماعی ضروری برای شناخت و سیاست‌گذاری در خصوص لیبی شناخت دقیق از قبایل و نخبگان قبایل جایگاه ویژه‌ای دارد. مسئله‌ای که بنظر می‌رسد تا به امروز تحقیق علمی جدی‌ای در این

۱. مقام معظم رهبری ۸۹/۱۲/۲ - <http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=۷۸۲۴>

خصوص در ایران صورت نگرفته است، چرا که گام اول در این جنگ نرم شناخت مختصات صحنه جنگ خواهد بود.

اولین وظیفه نخبگان فرهنگی جهان اسلام، افزایش معرفت و آگاهی‌های مردم است. افزایش معرفت نسبت به این‌که چه می‌خواهند و چه نمی‌خواهند و مسلماً انقلاب اسلامی ایران تجربیات بسیار مطلوبی را دارد که می‌تواند در اختیار آن‌ها قرار دهد. ارتقا سطح آگاهی‌های عمومی و شناخت آن‌ها و تلاش برای افزایش معرفت آن‌ها نسبت به آموزه‌های اسلامی بسیار حائز اهمیت است چرا که ممکن است آن‌ها با مفاهیم عدالت خواهی و سایر مباحث اسلامی ظاهراً آشنا باشند اما به باطن آن‌ها پی نبرده باشند و این وظیفه نخبگان فرهنگی جهان اسلام است تا انقلابیون را با این مفاهیم آشنا کنند. **وظیفه دیگر نخبگان جهان اسلام**، سامان بخشیدن به قدرت ملی است و به همین منظور نخبگان فرهنگی می‌توانند از فضای مجازی برای این کار استفاده کرده و از همه فناوری‌های نوین اطلاعاتی استفاده کنند. راه دیگر تقویت این بیداری‌ها، تقویت فرهنگ مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی و پرده‌برداری از سیاست‌های دشمنان این ملت‌ها است.^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع:

فارسی:

۱. افراسیابی، بهرام، «لیبی و تاریخ»، انتشارات زرین، چاپ اول، بهار ۶۳
۲. امیرشاهی، ذوالفقار، کتاب سبز لیبی، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه
۳. دکمچیان، هراير، «اسلام در انقلاب»، ترجمه حميد احمدی، تهران: انتشارات کیهان، چاپ چهارم، ۱۳۸۳
۴. جنتلسون، بروس، «خلع سلاح لیبی»، ترجمه رحمن قهرمانپور، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک
۵. پریچارد، ایوان، «سنوسی‌های سیرینکا»، لندن: مرکز چاپ دانشگاه اکسفورد، ۱۹۶۳
۶. فراهانی، معصومه، «کشوری با بهترین نفت افریقا و بدترین دیکتاتور اعراب»، ویژه‌نامه «فرهنگ عمومی»، فروردین ۱۳۹۰

عربی:

۷. شاکر، محمود؛ «مواطن الشعوب الاسلاميه في افريقيه»، لیبیه، الدارالعلميه، الطبعه الاولى ۱۹۷۲م - ۱۳۹۳ هـ ق
۸. مفتاح، السيد الشريف، «ليبيا: نشأه الاحزاب و نضالاتها»، الطبعه الاولى، الناشر: الفرات للنشر و التوزيع، نيسان ۲۰۱۰

Refrence:

Robert Danin, Eni Enrico Mattei Senior Fellow for Middle East and Africa Studies, Council on Foreign Relations How Libya's tribes will decide Gaddafi's fate **Libya's Leadership Crossroads**

George Friedman **Revolution and the Muslim World** February ۲۲, ۲۰۱۱ | is republished with permission of STRATFOR."

Geoffrey Clarfield . The tribes of Libya: a brief history. , National Post . Last Updated: Apr. ۲۱, ۲۰۱۱

Area Hand Book For Libya Foreign AREA studies p.۵۴ the American university ۵۰۱۰ Wisconsin Ave.IV. IN. Washengton D.C

How Libya's tribes will decide Gaddafi's fate

Libya's Leadership Crossroads Author:

Robert Danin, Eni Enrico Mattei Senior Fellow for Middle East and Africa Studies, Council on Foreign Relations

Revolution and the Muslim World February ۲۲, ۲۰۱۱ | ۰۹۴۹ GMT By
George Friedman see "Revolution and the Muslim World is republished
with permission of STRATFOR."

The tribes of Libya: a brief history . Geoffrey Clarfield, National Post .
Apr. ۲۱, ۲۰۱۱ | Last Updated: Apr. ۲۱, ۲۰۱۱ ۴:۰۶ AM ET

Fatimids Source: *U.S. Library of Congress*

Sites:

- <http://www.khamenei.ir>
- <http://countrystudies.us/libya/۱۰.htm>
- <http://www.cfr.org/libya/libya-saps-americas-power/p۲۴۶۹۰>
- <http://www.mfa.gov.ir/cms/cms/tripoli/fa/geugrafiy.html>
- <http://www.afan.ir/>
- http://www.msnbc.msn.com/id/۴۳۰۴۹۱۶۴/ns/world_news-mideast_n_africa/t/gadhafi-rebels-vie-loyalty-libyan-tribes/
- <http://www.temehu.com/Libyan-People.htm>
- <http://countrystudies.us/libya/۱۰.htm>
- [http://www.nationalpost.com/related/topics/tribes | Libya | brief | history/۴۶۵۳۲۰۶/story.html](http://www.nationalpost.com/related/topics/tribes%20Libya%20brief%20history/۴۶۵۳۲۰۶/story.html)
- <http://www.fatchin.com/index.php/>
- <http://resistnews.com/news-۶۶.html>
- <http://www.amin۲۰۱۰.com/modules/news/article.php?storyid=۵۲۵۷۰>
- <http://www.borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=۶۹۲>
- <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/africaandindianocean/libya/۸۳۶۱۲۷۷/How-Libyas-tribes-will-decide-Gaddafis-fate.html>
- <http://taskhiri.blogfa.com/post-۲۰.aspx>
- <http://www.tb.es/solidaritat/observatori/english/algeria/documents...>
- <http://www.noor-hekmat.com/fa/Articles.aspx?ArticleName.html>
- <http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=۱۲۶۴۰۳۵>
- http://www.msnbc.msn.com/id/۴۳۰۴۹۱۶۴/ns/world_news-mideast_n_africa/t/gadhafi-rebels-vie-loyalty-libyan-tribes/
- <http://www.ebtekarnews.com/Ebtekar/News.aspx?NID=۷۹۰۲۵>
- <http://www.hamshahrionline.ir/print-۱۳۵۳۲۸.aspx>
- <http://www.irdc.ir/fa/content/۱۲۴۵۷/default.aspx>
- <http://www.velaiatnews.com/?type=dynamic&lang=۱&id=۲۱۰۵>
- <http://www.parsine.com/fa/pages/?cid=۳۶۴۶۰>
- <http://www.khabaronline.ir/news-۱۴۸۵۸۲.aspx>
- <http://rovatehadis.com/archives/۱۱۳۰۸>